



# چگونه دانش آموزان متفکر تربیت کنیم؟

بررسی و طبقه‌بندی روش‌های پرورش تفکر در قرآن کریم

دکتر محمدرضا شرفی

استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

اصلی معرفی گردیده است.<sup>۴</sup>

بسیاری از مطالعات نشان‌دهنده‌ی این واقعیت هستند که مدارس در آموزش و ایجاد توانمندی‌ها و منش‌های برتر فکری در دانش‌آموزان توفیق چندانی به‌دست نیاورده‌اند. به‌عنوان نمونه، در مطالعه‌ی بین‌المللی «پرلز»<sup>۵</sup> که در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ در ارتباط با سواد خواندن صورت گرفت، بالاترین تفاوت میان پاسخ‌های حفظی و پاسخ‌های استنباطی از بین ۳۵ کشور جهان مربوط به کشور ما بوده است.<sup>۶</sup> این امر نشان می‌دهد که در نظام آموزشی کشور ما متأسفانه دانش‌آموزان غالباً مصرف‌کننده‌ی فکر هستند نه تولیدکننده.

رسول خدا(ص) فرمودند: اگر زیاده‌روی شما انسان‌ها در سخن گفتن نبود، و اگر پریشانی و آشفتگی دل‌هایتان نبود، هر آینه شما هم می‌دیدید آن چه را که من می‌بینم، و می‌شنیدید آن چه را که من می‌شنوم.<sup>۲</sup> پیغمبران، اندیشه‌شناسان، معرفت‌شناسان، علما، فلاسفه، عرفا و ادبا، همه به اهمیت اندیشه پرداخته‌اند. مولوی گفت: «ای برادر تو همه اندیشه‌ای». دکارت<sup>۳</sup> جمله‌ی معروف «من فکر می‌کنم، پس هستم» را نوشت. در اسلام یک ساعت تفکر مهم‌تر از ۷۰ سال عبادت تلقی شده است. در دنیای صنعت و تولید خدمات نیز نقش اندیشه مهم‌تر شده و در تاریخ ملت‌ها و زندگی انسان‌ها ثروت

قرآن کریم در بیش از ۳۰۰ آیه، جامعه‌ی انسانی را به تعقل، تفکر و تدبیر فرا می‌خواند؛ بلکه در مواضع زیادی از قرآن، استدلال و برهان به چشم می‌خورد. این مقاله می‌تواند یاری‌بخش مجریان پرورش تفکر در کشور و جهان باشد.

## تعریف تفکر

لغت‌شناسان، فکر را قوه‌ی سوق دهنده‌ی علم به سوی معلوم (الراغب الاصفهانی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۶۴۳) و تفکر را تلاش و کوشش این قوه بر حسب نظر عقل (همان، ص ۶۴۳) تعریف کرده‌اند. اساساً عمل فکر کردن، چیزی جز نظم دادن به معلومات و پایه قرار دادن آن‌ها برای کشف یک امر جدید نیست... فکر، حرکت ذهن از مقدمات به نتایج (مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۴۵) و نوعی ازدواج و تولد و تناسل در میان اندیشه‌هاست (همان، ص ۱۰۱). تفکر نیز به‌طور ساده، یعنی «اعمال فکر» (امام خمینی، چهل حدیث، ص ۱۸۹).

## تفکر در قرآن

«تفکر» از ریشه‌ی «فکر» به معنای اندیشه و در امری دقیق و باریک شدن است. حقیقت تفکر، کاربرد نیروی عاقله در به دست آوردن مجهولات از تجزیه و ترکیب معلومات است. تفکر در قرآن کریم جایگاهی بسیار والا دارد. قرآن کریم «تفکر» را هم‌ارز و موازی «تدبیر» و «تذکر» بیان می‌فرماید. این کتاب مقدس کسی را «متفکر» می‌داند که با به کارگیری قوه‌ی عاقله و شعورش، آیات و نشانه‌های خداوند را در تمام مخلوقات می‌بیند:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَکِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَاحِيَا بِهِنَّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکت‌اند، و

آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن زمین را پس از مرگ زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و [هم‌چنین] در تغییر مسیر باده‌ها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است [از ذات پاک خدا و یگانگی او] برای

مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند [بقره، ۱۷۶].  
شخص «متفکر»، اندیشمند صرف نیست. ویژگی اندیشه‌ی شخص متفکر، جهت‌دار بودن آن است. او هرچه بیشتر تفکر می‌کند، خدا را ملموس‌تر و محسوس‌تر می‌بیند. «کلماتی که در قرآن کریم درباره‌ی انواع ادراکات انسانی آمده، بسیارند و تا حدود ۲۰ لفظ را شامل می‌شوند؛ مانند ظن، حسیان، شعور، ذکر، عرفان، فهم، فقه، درایت، یقین، فکر، رأی، زعم، علم، حفظ، حکمت، خبرت، شهادت، عقل، فتوی و بصیرت.»

## روش‌های پرورش تفکر در قرآن کریم

### ۱. خوب دیدن

از آن‌جا که داده‌های عینی و حسی قابلیت درک بیشتری را برای همه‌ی گروه‌های سنی دارند، مخاطب به استفاده‌ی بیشتر از حواس به منظور درک بهتر پدیده‌ها دعوت شده است. موارد استفاده از حواس عبارت‌اند از مشاهده و دیدن؛ با توجه به این‌که:

\* آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟! و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده‌اند؟! و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب گردیده‌اند؟! و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟! [غاشیه/۲۰-۱۷]  
\* «فارجع البصر... ثم ارجع البصر»: همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟!  
بار دیگر [به عالم هستی] نگاه کن، سرانجام چشمانت (در

جست‌وجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد، در حالی که خسته و ناتوان است! [ملک/۴-۳].

\* و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم، بعد از آن که اقوام قرون نخستین را هلاک نمودیم؛ کتابی که برای مردم بصیرت آفرین بود و مایه‌ی هدایت و رحمت؛ شاید متذکر شوند! [قصص/۴۳]

### ۲. خوب گوش کردن

\* همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آن‌ها خردمندانند [زمر/۱۸]

\* بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند [انفال/۸].

\* اگر ما می‌شنیدیم و تعقل می‌کردیم، دیگر از دوزخیان نمی‌بودیم [ملک/۱۰].

### ۳. خوب حرف زدن

۱. کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به‌یادگار بگذارند، از آینده‌ی آنان می‌ترسند، باید [از ستم‌داری یَتیمان مردم] بترسند!

از [مخالفت با] خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند [نساء/۹]

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید... [احزاب/۷۰].

۳. ای همسران پیامبر! شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن

نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند! [احزاب/۳۲].

۴. بگو: خداوند یکتا و یگانه است؛ بگو، ابراز کن [توحید/۱].

۴. استفاده از عباراتی که به تصویرسازی و حسی کردن مطلب کمک می‌کنند

\* «در آن هنگام که خورشید درهم پیچیده شود، و در آن هنگام که ستارگان بی‌فروغ شوند، و در آن هنگام که کوه‌ها به حرکت درآیند، و در آن هنگام که بارزش‌ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود، و در آن هنگام که وحوش جمع شوند، و در آن هنگام که دریاها برفروخته شوند... و در آن هنگام که بهشت نزدیک شود» [تکویر/۱۳-۱].

\* مثل آنان مثل کسی است که [به زحمت] آتشی بیفروخت و همین‌که اطراف وی را روشن ساخت، خدا نورشان را برد و در تاریکی‌ها رهایشان کرد که نبینند [بقره/۱۷].

\* و مثل [تو در دعوت] کافران مثل کسی است که بر حیوان زبان‌بسته‌ای که جز صدا و ندایی نشنوند، بانگ زند. [این‌ها نیز چنین‌اند]. کرانند و گنگانند و کورانند، پس نمی‌اندیشند [بقره/۱۷۱].

### ۵. تذکر: فعال نگاه داشتن دغدغه و توجه

\* دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (به‌وسیله‌ی آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست؛ و کسی

که از دیدن آن چشم‌پوشد، به زیان خودش می‌باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی‌کنم) [انعام/۱۰۴].

\* و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد (ذاریات/۵۵).

\* آیا کسی که مخلوقات را می‌آفریند، هم‌چون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟! [نحل/۱۷]

### ۶. تکرار هدفمند سؤال یا عبارت

\* تکرار آیه در یک سوره، مانند آیه‌ی «فبای آلاء ربکما تکذبان»: پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید (شما ای گروه جن و انس)! در سوره‌ی مبارکه‌ی الرحمن.

\* تکرار یک آیه در کل قرآن، مانند آیه‌ی «تنزیل الكتاب من الله العزيز الحكيم» در سوره‌های زمر، غافر، جاثیه و احقاف.

\* تکرار جریان یک موضوع در سوره‌های متعدد با بیان‌ها و رویکردهای متفاوت؛ مثل داستان حضرت موسی در سوره‌های بقره، اعراف، شعرا، قصص، طه و... و یا سرنوشت خوبان و بدان در قیامت.

\* تکرارهای کلمات هم‌معنا یا مقابل؛ مانند تکرار کلمه‌ی دنیا به نسبت آخرت و یا کلمه‌ی «رحمه» که ۷۲ مورد آمده است و کلمه‌ی «غضب» که ۱۹ بار آمده است که می‌تواند بیانگر بیشتر بودن رحمت خداوند نسبت به غضب او باشد.

\* تکرار امرها و نهی‌ها. به‌عنوان مثال، ۶۱ بار دعوت به نماز و ۵۹ بار دعوت به زکات شده است که پیوند خاص این دو را با هم می‌رساند و نشان می‌دهد که نماز خوان باید به مردم با دادن زکات مال و علم و توان و آبروی خود بخشش کند.

### ۷. مقایسه‌ی امور متقابل (تشبیه معقول به محسوس)

\* و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، و نه ظلمت‌ها و روشنایی، و نه سایه (آرام‌بخش) و باد داغ و سوزان! [فاطر/۲۱-۱۹].

\* آیا دیدی کسی که نهی می‌کند، بنده‌ای را به هنگامی که نماز می‌خواند؟! آیا دیدی اگر این بنده به راه هدایت بود، یا مردم را به تقوا فرمان می‌داد؟! [علق/۱۲-۹].

۸. حذف یک عبارت یا موضوع در آیات برای ایجاد انگیزه‌ی کشف

شخص «متفکر». اندیشمند صرف نیست.  
ویژگی اندیشه‌ی شخص متفکر، جهت‌دار  
بودن آن است. او هرچه بیشتر تفکر می‌کند،  
خدا را ملموس‌تر و محسوس‌تر می‌بیند.

۱. عبارت محذوف: «افمن زین له سوء عمله فرآه حسنا، فان الله یضل من یشاء و یهدی من یشاء» [فاطر/۸]: آیا کسی که عملش برایش زینت داده شده و آن را خوب می‌بیند، [یا کسی که این چنین نیست، مساوی است؟] پس خداوند هر که را اقتضا کند، هدایت و هر که را اقتضا کند، همراه می‌کند.
۲. کلمه‌ی محذوف: «سنیسره لیسری {طریقه یا حیات و...} الیسری» [لیل/۷]: ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم!
۳. جواب قسم محذوف: بروج: قسم به آسمان که برج‌ها دارد، و قسم به روز موعود، و قسم به شاهد و مشهود [که همه در دیدگاه‌اند]. در این جا جواب قسم حذف شده است.
۹. ارتقای سطح بینش و تفکر با ارائه‌ی ملاک‌هایی دیگر  
آیات ۷۴ تا ۷۹ سوره‌ی انعام داستان برخورد حضرت ابراهیم را با مشرکان ماه و خورشیدپرست شرح می‌دهند که سبب ارتقای سطح بینش و تفکر قرآن‌خوان می‌شود. در زمینه‌ی افزایش گنجینه‌ی داده‌های ذهنی و دادن اطلاعات اولیه برای به‌کارگیری در تفکر می‌توان به این موارد اشاره کرد:
- \* در دو طرف روز و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات [و آثار آن‌ها را] از بین می‌برند. این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند! [هود/۱۱۴]
  - \* اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید، و اگر بدی کنید، باز هم به خود می‌کنید [اسراء/۷].
  - \* و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند [اسراء/۱۹].
  - \* اگر شکرگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهیم افزود [ابراهیم/۷].
۱۰. تعمیم دادن از جزء به کل
- \* تشابه روز قیامت و رویش دوباره‌ی گیاهان: زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، و زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند، و شما نیز این گونه [از گورها] بیرون آورده می‌شوید [روم/۱۹].
  - \* تعمیم مشخصات جزئی یک گروه به صفات کلی‌شان:
    ۱. قتل اصحاب الاخدود... [بروج/۸-۴]: مرگ بر شکنجه‌گران صاحب گودال (آتش)، کسانی که مردان و زنان با ایمان را شکنجه دادند. مرگ بر آدم سوزان خندق... و از آن‌ها انتقام نمی‌گرفتند، جز این که آنان به خدای شکست‌ناپذیر ستوده، ایمان آورده بودند.
    ۲. آیا ندیدی پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ با ارم که دارای کاخ‌ها و ستون‌ها بود... همان‌ها که در شهرها طغیان کردند و در آن‌ها فساد را به اوج رساندند [فجر/۱۲-۶].
  - ۱۱. ارائه‌ی مفهوم بدون ارائه‌ی توضیح برای ایجاد فرصت بسط مفهوم و یافتن مصداق‌های آن
    - \* استفاده از قسم‌ها از همین موارد است: «والفجر» (فجر/۱).
    - \* «ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا»: پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی‌های ما را ببوشان! [آل عمران/۱۹۳].
    - \* «ان الذین کفروا سواء علیهم انذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون»: کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را [از عذاب الهی] بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد. [بقره/۶].
    - کفر مفهوم پوشاندن را می‌رساند. می‌گوید خوبی‌های درون را نپوشانید تا جریان پیدا کند و بذل رحمت تبدیل به بخل نشود. پس در هر دو مورد می‌توان مفهوم آن را باز کرد.

هم‌چنین، مطلبی را طرح می‌کند، ولی علت آن و نتیجه‌ی بحث را برای کار فکری انسان باز می‌گذارد: «لو شاء | لجعل الناس امه واحده و لا یزالون مختلفین»: اگر خداوند می‌خواست انسان‌ها را امت واحد قرار می‌داد و مختلف نمی‌شدند [هود/۱۱۸].  
در واقع، این امکان را فراهم می‌کند که فرد از خود بی‌رسد: چرا؟ شاید زیبایی‌ها در تفاوت معنی می‌یابند و شاید صدقه در اختلاف جایگاه مادی، معنی پیدا می‌کند. شاید اگر همه مثل هم می‌اندیشیدند، اصلاً اندیشه‌ای پیش نمی‌آمد.<sup>۲۴</sup>  
یا مثال دیگر: «والعصر» [عصر/۱]: قسم به عصر. عصر یعنی چه؟ فقط یک مصداق به معنی اواخر روز است یا عصاره‌ی زندگی؟

#### ۱۲. مذمت پیروی صرف از عادات اجتماعی و روش‌های گذشتگان

و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از آن چه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» می‌گویند: «نه، ما از آن چه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم.» آیا اگر پدران آن‌ها چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند [باز از آن‌ها پیروی خواهند کرد]؟! [بقره/۱۷۰]

#### ۱۳. اشاره‌ی مستقیم به استفاده از عقل

\* بدترین جنبه‌ها کسانی هستند که کر و گنگ و لایعقل اند [انفال/۲۲].

\* آیا مردم را به خیر و نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با این که شما کتاب آسمانی را تلاوت می‌کنید؟ پس چرا نمی‌اندیشید؟ [بقره/۴۴]

#### ۱۴. استفاده‌ی غیر مستقیم از عقل

در روش غیر مستقیم، قرآن به نکاتی اشاره می‌کند که پذیرش آن‌ها بدون به رسمیت شناختن عقل ممکن نیست. به عبارت دیگر، لازمه‌ی منطقی اظهار این‌گونه مطالب، اعتراف به حجیت و سندیت عقل است. مثلاً از حریف استدلال عقل می‌طلبد: «قل هاتوا برهانکم»: بگو برهان‌هایتان را آماده کنید [بقره/۱۱].

#### ۱۵. استفاده از انواع استدلال‌های شرطی (نظام علی و معلول)

\* اگر خوبی کنید برای خود کرده‌اید و اگر بدی کنید هم برای

خود کرده‌اید [اسراء/۷].

\* خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر این که آنان آن چه را در خود دارند، تغییر دهند [مائده/۳].

#### ۱۶. پندآموزی از سرنوشت گذشتگان

«چه بسیار شهر و دیاری که ما اهلش را در آن حال به ظلم و ستم مشغول بودند، به خاک هلاک نشانیدیم و اینک آن شهرها از بنیاد ویران هستند. چه چاه‌ها و قنات‌های آب که معطل بمانند، چه قصرهای عالی که بی‌صاحب گشتند. اکنون مردم این زمان نمی‌خواهند روی زمین گردش کنند و در احوال اقوام و ملل مطالعه نمایند و از آن‌ها درس بگیرند...» [حج/۴۵].

#### ۱۷. یاد خدا که نتیجه‌ی آن قرار گرفتن در سطح هوشیاری و خودآگاهی است

\* از کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و در نتیجه خدا آن‌ها را دچار خودفراموشی کرد [حشر/۱۹].  
\* نماز را برپا کن تا من در یادت باشم [طه/۱۴].

#### ۱۸. توجه به هدف

\* آسمان و زمین را برای بازیچه نیافریدیم [انبیا/۱۶].  
\* به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانیشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟! [فصلت/۵۱].

#### ۱۹. ایجاد انگیزه برای تکاپوی علمی با گشودن افق‌هایی از علوم پیش روی انسان

\* سپس او را به صورت نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم... [مؤمنون/۱۶-۱۳].  
\* و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم... [اسراء/۱۲].

#### ۲۰. پرهیز از تکیه بر ظن و گمان

و بیشتر آن‌ها جز از گمان [و پندارهای بی‌اساس] پیروی نمی‌کنند؛ [در حالی که] گمان، هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد [و به حق نمی‌رساند]! به یقین، خداوند از آن چه انجام می‌دهند، آگاه است! [یونس/۳۶]

## ۲۱. در آمدن از فردیت و توجه به دیگران

\* و همگی به ریسمان خدا [=قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله‌ی وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! [آل عمران/۱۰۳].

\* «تحسبهم جميعا و قلوبهم شتى ذلک بانهم قوم لا یعقلون»:

آن‌ها را متحد می‌پنداری، در حالی که دل‌هایشان پراکنده است؛ به این دلیل که آن‌ها قومی هستند که تعقل نمی‌کنند [حشر/۱۴].

\* سپس از جمله کسانی باشید که ایمان آورده‌اند و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت توصیه می‌کنند! [بلد/۱۷].

## ۲۲. مذمت حسابگری شخصی و سوگیری در تفکر

\* همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است و آن‌ها خردمندان‌اند [زمر/۱۸].

\* او [برای مبارزه با قرآن] اندیشه کرد و مطلب را آماده ساخت! مرگ بر او باد! چگونه [برای مبارزه با حق] مطلب را آماده کرد! [مدثر/۱۸ و ۱۹].

## ۲۳. طرح مستقیم سؤال

\* «آیا وقت آن نرسیده است که ایمان آورندگان دل‌هایشان برای ذکر خدا به خشوع در آید؟» [حدید/۱۶].

\* آیا آدمی نمی‌داند که خدا می‌بیند؟ [علق/۱۴].

## ۲۴. زیر سؤال بردن: نوع نگاه به موضوع و رسیدن به

### نتیجه‌گیری‌های غلط

عبارت «کلا» کلام ویژه‌ای است که در چندین جای قرآن دیده می‌شود. شاید به این معنی که اصلاً صورت مسئله این‌طور نیست، این زاویه نگاه درست نیست. زاویه‌ی دید را عوض کن و با تغییر پیش‌فرض‌ها، طور دیگری داده‌ها را انتخاب و تنظیم کن تا به نتیجه‌ای متفاوت برسی: «اما آدمی را چون پروردگارش بیازماید و او را گرمی دارد و نعمتش دهد، گوید: خدایم مرا گرمی داشت. و اما چون او را بیازماید و روزی‌اش را تنگ سازد، پس گوید: پروردگرم مرا خوار کرد. کلا: چنین نیست، بلکه شما یتیمان را گرمی نمی‌دارید و یکدیگر را بر اطعام بی‌نویان ترغیب نمی‌کنید و میراث ضعیفان را یکجا

می‌خورید و مال را بسیار دوست می‌دارید [فجر/۲۳-۱۵].

## ۲۵. اختصاصی کردن خطاب

\* و از آن شهر [ویران شده] برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌ی روشنی باقی گذاشتیم [عنکبوت/۳۵].

\* در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات [و آثار آن‌ها را] از بین می‌برند. این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند! [هود/۱۱۴].

## ۲۶. سلامت قلب

قلب انسان محل نزول قرآن است:

\* روح‌الامین آن را نازل کرده است. بر قلب [پاک] تو، تا از اندازکنندگان باشی! هر عاملی که قلب را بینا و شنوا کند، سلامت بخشد، اطمینان بدهد... قلب را فعال می‌کند و عاملی برای تقویت توجه و تفکر خواهد بود [شعرا/۱۹۳ و ۱۹۴].

\* در این تذکری است برای آن کس که قلب دارد، یا گوش فرا دهد، در حالی که حاضر باشد! [ق/۳۷].



تفکر در مخلوقات خدا برای پی بردن به رازها و اسرار  
آفرینش، تفکر در احوال و اعمال خود برای درست انجام  
دادن وظیفه و تفکر در تاریخ و زندگی‌های مردمی که  
گذشته‌اند، برای شناختن و پی بردن به سنن و قوانینی که  
خداوند برای زندگی جماعات بشری قرار داده است

#### ۲۷. تقوا زمینه‌ی رشد تفکر

یکی از شیوه‌های تقویت نیروی تفکر، تقواست. تقوا در لغت به معنای آن است که خود را از شیء مخوف در وقایه و حفظ قرار دهیم. و این حقیقت تقواست: «ای ایمان آوردگان، اگر تقوا پیشه کنید [خدا] برای شما [نیروی] فرقان قرار می‌دهد [انفال/۲۹].»

#### ۲۸. عربی بودن قرآن

«ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما درک کنید [و ببینید]! [زخرف/۳]»  
صرف‌نظر از عربی بودن قرآن، نمی‌توان در حد عالی از آن بهره‌مند شد، چرا که ادبیات عرب بسیار گسترده و دقیق است و امکان بررسی هر حرف و جایگاه و اعراب هر کلمه را فراهم می‌کند. لذا اگر اعراب یک کلمه عوض شود، معانی دیگری بر آن مترتب خواهد بود. هر کلمه، هر آیه و نوع چینش ادبی آن بر حسب ضرورت قرار داده شده است و حساب و دلیل دارد.

#### ۲۹. قرار داشتن مفاهیم قرآن در سطوح متفاوت تفکر

هر آیه‌ی قرآن دارای معانی متعدد و بطن‌ها و لایه‌های ساده و عمیق است. چنان‌که هم برای مردم عادی قابل فهم است: «هذا بیان للناس»: این [کتاب] حجت و بیانی است برای عموم مردم (آل عمران/۳۸) و هم قابل استفاده‌ی خاص‌تر و عمیق‌تر برای انسان‌های باتقوا و پاکیزه است: «هدی للمتقین»: هدایتی برای متقین است [بقره/۲] و «لایسمه الا المطهرون»: جز پاک شدگان بر آن دست نمی‌یابند [واقعه/۷۹].»

#### موضوع تفکر

شهید مطهری، در کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام»

(ص ۳۸۰) سه عنوان کلی را برای انواع تفکر بیان می‌کنند:

اول: تفکر در عالم خلقت (آل عمران/۱۹۰ و ۱۹۱).

دوم: تفکر در تاریخ (اعراف/۱۷۶).

سوم: تفکر در خود.

استاد مطهری این دسته‌بندی را این‌گونه خلاصه و هدفمند می‌کنند: «تفکر در مخلوقات خدا برای پی بردن به رازها و اسرار آفرینش، تفکر در احوال و اعمال خود برای درست انجام دادن وظیفه، و تفکر در تاریخ و زندگی‌های مردمی که گذشته‌اند، برای شناختن و پی بردن به سنن و قوانینی که خداوند برای زندگی جماعات بشری قرار داده است» (بیست گفتار، ص ۳۱۲).

#### بحث و نتیجه‌گیری

۱. ابتدا به‌نظر می‌رسد که در پرورش تفکر، آیات و عبارات خاصی نقش ویژه ایفا می‌کنند. اما با انس گرفتن بیشتر با قرآن در می‌یابیم تمام آیات قرآن، حتی عبارت بسم الله الرحمن الرحیم، عامل ایجاد تفکر هستند. دو عامل مهمی که فعال کننده‌ی تفکر در تمام قرآن هستند، عبارت‌اند از:

الف) این‌که هر کلمه، هر آیه و نوع چینش ادبی آن بر حسب ضرورت قرار داده شده است و حساب و دلیل دارد.  
ب) این‌که هر آیه‌ی قرآن دارای معانی متعدد و بطن‌ها و لایه‌های ساده و عمیق است. چنان‌که هم برای مردم عادی قابل فهم است و هم قابل استفاده‌ی خاص‌تر و عمیق‌تر برای انسان‌های باتقوا و پاکیزه است و برای هدایت ویژه‌ی متقین و پاکیزگان در نظر گرفته شده است.

۲. قرآن همه را دارای عقل و فکر و حواس می‌داند و افرادی را که از عقل و فکر خود استفاده نمی‌کنند، مورد سرزنش قرار می‌دهد و زندگی‌شان را زندگی حیوانی و علت آن را غفلت و

عمر گذراندن در بی توجهی ذکر می کند:

«و لقد ذرانا لجهنم كثيرا من الجن و الانس لهم قلوب لا يفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها اولئك كالانعام بل هم اضل اولئك هم الغافلون». به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ رها کردیم. آن‌ها دل‌ها (عقل‌ها) بی دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند، و] نمی‌فهمند. و چشمانی که با آن نمی‌بینند، و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آن‌ها هم چون چهارپایانند؛ بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراه‌اند!) [اعراف/۱۷۹]

در مقابل، ارزش و اهمیتی که برای اندیشمندان بیان فرموده، در خور توجه و دقت است: آنان را افرادی دارای مغزهای پر استفاده و کارآمد (اولی‌الالباب) [بقره/۱۷۹، ۱۹۷ و ۲۶۹؛ آل‌عمران/۷ و ۱۹۰؛ مائده/۱۰۰؛ یوسف/۱۱۱؛ رعد/۱۹] و روحیه‌ای خودکنترل (اولی‌النهی) [طه/۵۴ و ۱۲۸] که دست و زبان به هر عمل و سخنی دراز نمی‌کنند و صاحبان چشم‌بینا و دقیق (اولی‌البصار) [آل‌عمران/۱۳؛ نور/۴۴] می‌نامد.

۳. عربی بودن قرآن یکی از دلایل ایجاد تعقل و تأمل است. چرا که ادبیات عرب بسیار گسترده و دقیق است و امکان بررسی هر حرف و جایگاه و اعراب هر کلمه را فراهم می‌کند. شایان توجه است، اگر اعراب یک کلمه عوض شود، معانی دیگری بر آن مترتب خواهد بود.

۴. روش قرآن در فعال کردن اندیشه متکی بر دو محور اساسی است: مشاهده‌ی پدیده‌ها و تجربیات عینی و ملموس برای درک حقیقت، و بهره‌گیری از استدلال عقلی و تفکر انتزاعی و به‌کار گرفتن آن در تنظیم درست زندگی دنیا و آخرت. ترکیب این دو می‌تواند در شناخت عمیق آدمی و بالا بردن سطح تفکر او مؤثر باشد.

۵. برای آموزش تفکر و تقویت مهارت‌های آن در کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگ‌ترها، باید با توجه به مختصات و توانمندی‌های ادراکی هر دوره‌ی سنی از روش‌های توصیه شده در قرآن کریم استفاده و طرح درس‌های قابل اجرا برای آنان تدوین کرد. برای مثال، با استفاده از آیات مربوط به خوب دیدن، خوب شنیدن، به‌سفر رفتن، پندآموزی از گذشتگان و... می‌توان اردوها و سفرهایی را ترتیب داد که با تقویت توجه به دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها و آثار و اقوال گذشتگان، زمینه‌ی چالش ذهنی با محیط پیرامون

را برای شرکت کنندگان به‌وجود آورد.

۶. متخصص تعلیم و تربیت با استفاده از «روش گروهی با هم فکر کردن» می‌تواند در نقش تسهیل‌گری بسیار مراقب، ضمن هدایت سؤال و جواب‌های گروهی حاصل از مطالعه‌ی داستان‌های فکری مشخص یا سؤالات بحث برانگیز و چند جانبه، در موقعیت‌هایی که پیش می‌آیند و ذهن‌ها آماده‌ی دریافت هستند، به تقویت مهارت‌های تفکر بپردازد. اگر در قرآن، تکیه بر حدس و گمان، پیروی از اکثریت، و تبعیت صرف از مرام پیشینیان روشی باطل قلمداد شده و بر داشتن برهان قوی و ملاک در حرف و عمل تأکید شده است، معلم می‌تواند با طرح پرسش‌های سقراطی شاگردان را به سمت دلیل‌های محکم و منطق‌های قوی هدایت کند.

۷. معنای تفکر در اصطلاح قرآن، یعنی آیه دیدن همه‌ی اشیا در جهان هستی. شخص متفکر، در مخلوقات، خدا و صفاتش را می‌بیند. او همیشه متذکر خداست؛ همانند کسی که با تدبر در قرآن متذکر خداست: «به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه‌چیز شاهد و گواه است؟!» [فصلت/۵۳]

۸. تفکر در قرآن به‌وسیله‌ی قلب سالم میسر می‌شود. کسی که در قلبش را بر روی حق بسته است، نمی‌تواند به تفکر سالم دست یابد. لذا داشتن تقوا، به پا داشتن نماز، خشیت از حضور پروردگار، رعایت پوشش صحیح، سیر در زمین، هجرت و جهد در راه خدا، از عوامل تقویت فکر هستند.

۹. کسی که قلب پاک و آماده ندارد، نمی‌تواند دریافت درستی از حقایق داشته باشد. ادامه‌ی این روند موجب محرومیت از تفکر صحیح می‌شود [بقره/۷ و ۷]. او می‌تواند تفکیر کند؛ یعنی تفکرش را با سوگیری و محاسبه‌ی سود و زیان‌های ظاهری مخلوط کند و آن‌چه را که به وی منفعت مادی می‌دهد، انتخاب کند.

۱۰. خداوند در آیات قرآن به انواع تفکر، زمینه‌های تفکر، موانع تفکر، عوامل تقویت و تضعیف آن، لوازم همراه با تفکر، نتیجه و هدف فکر، محل نزول آن (قلب) و موضوع تفکر پرداخته است. لذا دقت در مطالعه‌ی تک‌تک حروف، اعراب، آیات و سوره قرآن می‌تواند ایجاد کننده و پرورش دهنده‌ی تفکر باشد.





الهیات و معارف اسلامی و ارشاد. دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

۵. جوادی آملی، عبدالحسین (۱۳۷۲). شریعت در آینه‌ی معرفت. مرکز نشر فرهنگی رجاء. قم. چاپ اول.

۶. (۱۳۸۵). مراحل اخلاق در قرآن. مرکز نشر اسرا. قم. چاپ ششم.

۷. جیمز، ویلیام (۱۳۵۹). دین و روان. ترجمه‌ی مهدی قائمی. انتشارات دارالفکر. قم.

۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶). اربعین حدیث. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). تهران. چاپ چهاردهم.

۹. دیبونو، ادوارد (۱۳۸۴). به فرزندان خود روش فکر کردن بیاموزید. ترجمه‌ی عبدالمهدی ریاضی. انتشارات پیک بهار. تهران. چاپ سوم.

۱۰. (۱۳۷۶) تفکر جانبی. ترجمه‌ی عباس بشارتیان. نشر مترجم. تهران.

۱۱. دیویی، جان. دموکراسی و آموزش و پرورش. ترجمه‌ی آریان پور. انتشارات حقیقت. تبریز.

۱۲. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). تفکر برتر. انتشارات سروش. تهران. چاپ دوم.

۱۳. طباطبائی، محمدحسین. تفسیر المیزان. ترجمه‌ی موسوی همدانی. چاپ بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی. تهران.

۱۴. عربیان، رحیم. اندیشه‌های بشری و فرهنگ توسعه (ج ۱). نشر کیفیت. تهران.

۱۵. قرآن کریم.

۱۶. قم، شیخ عباس. مفاتیح‌الجنان.

۱۷. کم، فیلیپ (۱۳۸۵). داستان‌های فکری ۱. ترجمه‌ی فرزانه شهرتاش. انتشارات شهرتاش. تهران. چاپ اول.

۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت. جلد ۷ و جلد ۶۶ و جلد ۶۸.

۱۹. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار (ج ۳). صدرا. قم. [بی‌تا].

۲۰. بیست گفتار. انتشارات صدرا. تهران. چاپ هفتم.

۲۱. (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام. انتشارات صدرا. تهران. چاپ سیزدهم.

22. Thinking-An Introduction to its Expeimental Psychology (1963). Humphrey, George university of Oxford, P311.

23. Education of Yough (Washington, DC: National Catho(x)ic) (1936). Pope Pios XI, Chrhstian Wexfare Conferenc, p36.

24. Resnick, l, B (1987). Education and Learning to think. Washington, National Academy Press.

زیرنویس  
۱. طباطبائی، بی‌تا، ج ۵: ۴۱۵.

2. Rene Decartes  
۳. دیبونو، ۵: ۱۳۸۴.

4. Pirls  
۵. جامعه‌ی دانش‌آموزی در مورد مطالعه‌ی پرلز که ۹ ساله‌ها را دربر می‌گیرد، در کشور ما شامل دانش‌آموزان پایه‌های سوم و چهارم ابتدایی است.

۶. پورمحمدی، ۱۳۸۲.

۷. طباطبائی، بی‌تا، ج ۴: ۵۵.

8. Plato  
9. Aristotel  
۱۰. ال گوئک، ۱۳۸۴: ۱۱۴.

11. Charles S. Peirce  
12. Georg herbert mead  
13. John Dewey  
۱۴. ال گوئک، ۱۳۸۴: ۱۱۴.

15. William James  
۱۶. دیبونو، ۱: ۱۳۸۴.

17. Jean Piaget  
18. Vygotsky  
19. Edward De Bono  
20. Matthew lipman  
۲۱. کم، ۱۴: ۱۳۸۵.

۲۲. همان، ص ۱۲۶.

۲۳. عربیان، بی‌تا، ج ۱.

منابع  
۱. ال گوئک، جرالده (۱۳۸۳). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه‌ی محمد جعفر پاک‌سرشت. انتشارات سمت. تهران. چاپ سوم.

۲. احدی، حسن (۱۳۷۶). روان‌شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودک). نشر بنیاد. تهران. چاپ دهم.

۳. بهشتی، سعید (۱۳۸۰). آیین خردپروری. انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. تهران. چاپ اول.

۴. پورمحمدی. ابوذر (۱۳۸۲). «بررسی مفهوم تفکر در قرآن مجید». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد الهیات (گرایش قرآن و حدیث). دانشکده‌ی